

۹۷۹۷۲

دانشگاه پیام نور

دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه برای دریافت درجه ی کارشناسی ارشد در رشته ی زبان شناسی همگانی

بررسی فرایند مبتدا سازی گروه های اسمی در زبان کردی
(سورانی) از دیدگاه ساختار اطلاعاتی

مؤلف: ارکان صائب



۱۳۸۷ / ۱۲ / ۸

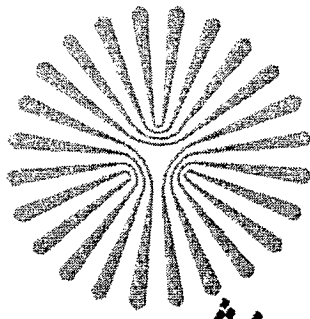
استاد راهنما: دکتر علیرضا خرمایی

استاد مشاور: دکتر بلقیس روشن

۸۴ ذر ۲

۹۶۹۶۳





دانشگاه پیام نور

دانشگاه پیام نور - سرطانه مرکزی	
دفتر مخابرات	
شماره	۲۹۵
تاریخ	۱۷/۱۱/۸۴

تصویب نامه

پایان نامه تحت عنوان

مطالعه مبتدا سازی عبارتهای اسمی در زبان کردی (لحجه سوردانی)

تاریخ دفاع: 84/9/2

اعضای هیات داوران:

- 1- آقای دکتر خرمایی
- 2- خانم دکتر روشن
- 3- آقای دکتر زندی
- 4- خانم دکتر روشن

نمره ۱۹/۵ درجه عالی
(نوزده و نیم)

استاد راهنما

استاد مشاور

استاد داود

نماینده گروه

امضاء

گروه

گروه

تقدیم به

پدر بزرگوارم

و

مادر مهربانم

که نهال زندگی را به بار نشانند

و

همسر فداکارم

**که با تحمل کمبودها و کاستی های زندگی
روح امید و موفقیت را در دلم زنده نگه داشت**

و

فرزند عزیزم محمد

تشکر و قدر دانی

حمد و سپاس خداوند متعال را به جای می آورم که به بنده ای از بندگان خود فرصتی عطا فرمود تا بتوانم در محضر اساتید محترم کسب فیض نموده و در پاسخ به حق شناسی آنها ادای احترام و تکریم نمایم. از آنجاییکه همیشه خود را مدیون زحمات آن بزرگواران میبینم، لذا وظیفه ی خود می دانم که در مقام شاگردی زبان به تقدیر و تشکر گشوده و بدین ترتیب سپاسگزار زحماتشان باشم، به همین جهت از کلیه ی عزیزانی که به نوعی در تمامی مراحل تحصیل یار و یاورم بوده اند ممنون و متشکرم.

لازم می دانم که از جناب آقای دکتر علیرضا خرمایی استاد راهنمای محترم، که در تمامی مراحل مختلف پایان نامه با نهایت سعه ی صدر به معنای واقعی کلمه، راهنماییم نمودند تشکر و سپاسگزاری نمایم. همچنین از سرکار خانم دکتر روشن استاد مشاور محترم نه تنها به خاطر زحماتی که در مراحل مختلف این پایان نامه متحمل شده اند، بلکه به خاطر تمام دلسوزیها و دلگرمی هایی که در مراحل مختلف تحصیلی نسبت به تمامی دانشجویان هیچگاه دریغ نمی ورزیدند صمیمانه تشکر و سپاسگزاری می نمایم. همچنین از جناب آقای دکتر بهمن زندی که با وجود مشغله ی فراوان زحمت داوری و مطالعه ی پایان نامه را به عهده گرفتند تشکر و قدر دانی می نمایم. و بلاخره از تمامی عزیزانی که هر کدام به نحوی بنده را در فرایند تهیه و نوشتن این پایان نامه همکاری و مساعدت فرمودند تشکر و قدر دانی می نمایم، امیدوارم که با تلاش و پیگیری هرچه بیشتر پاسخگوی گوشه ای از زحمات این عزیزان باشم.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	۱-۱- مقدمه
۲.....	۱-۲- طرح مسئله ی تحقیق
۴.....	۱-۳- فرضیه ها
۵.....	۱-۴- هدف و انگیزه
۶.....	۱-۵- نوع و روش تحقیق
۷.....	۱-۶- جستاری کلی در زبان کردی
۱۰.....	۱-۶-۱- شاخه های زبان کردی
۱۳.....	۱-۶-۲- خط و کتابت در زبان کردی
۱۴.....	۱-۶-۳- حرکات و اعراب در زبان کردی
۱۵.....	۱-۷- ساختار پایان نامه

فصل دوم: چهار چوب نظری

۱۷.....	۲-۱- مقدمه
۱۷.....	۲-۲- نظریه ی ساختار اطلاعاتی لامبرا
۱۸.....	۲-۲-۱- ساختار اطلاعاتی و صورت جمله
۲۰.....	۲-۲-۲- جایگاه ساختار اطلاعاتی
۲۱.....	۲-۲-۳- زیربخش های ساختار اطلاعاتی
۲۲.....	۲-۲-۴- تفاوت میان معنای جمله و اطلاعات جمله
۲۳.....	۲-۲-۵- پیش انگاره و ابراز
۲۵.....	۲-۲-۶- مصداق کلام
۲۶.....	۲-۲-۷- تعیین قابلیت شناسایی در مدل کلامی

فصل سوم: ادبیات و پیشینه ی تحقیق

۳۱	۳-۱- مقدمه
۳۱	۳-۲- رندالف کوئراگ و دیگران
۳۲	۳-۳- هالیدی
۳۴	۳-۴- پرینس
۳۵	۳-۵- کریمی
۳۶	۳-۶- دبیرمقدم
۳۷	۳-۷- لامبرا
۴۶	۳-۸- خرمایی
۵۴	۳-۹- پیرنرووارد

فصل چهارم: تحلیل یافته های تحقیق

۶۵	۴-۱- مقدمه
۶۶	۴-۲- ساختار اطلاعاتی
۶۷	۴-۳- مبتداسازی گروههای اسمی در زبان کردی
۸۶	۴-۴- تحلیل آماری مبتداسازی

فصل پنجم: نتیجه گیری و پیشنهادات

۹۰	۵-۱- مقدمه
۹۰	۵-۲- خلاصه ی فصل چهارم
۹۱	۵-۳- نتیجه گیری
۹۲	۵-۴- پیشنهادات

منابع و ماخذ:

فهرست منابع ۹۴

ضمائم:

واژه نامه ی فارسی - انگلیسی ۹۸

چکیده ی انگلیسی ۱۰۵

نام: ارکان

نام خانوادگی دانشجو: صائب

عنوان پایان نامه (رساله): بررسی فرایند مبتدا سازی گروههای اسمی در زبان کردی (لهجه سورانی)

استاد راهنما: دکتر علیرضا خرمایی

استاد (اساتید) مشاور: دکتر بلقیس روشن

مقطع تحصیلی: کارشناسی رشته: زبان شناسی گرایش: انشگاه: پیام نور

دانشکده: ادبیات و علوم انسانی تاریخ فارغ التحصیلی: ۸۴/۹/۲ تعداد صفحه: ۱۰۵

کلید واژه ها: (مبتدا، مبتدا سازی، ساختار اطلاعاتی، اطلاع نو، اطلاع کهنه، کلام کهنه گی، شنونده مدار)

چکیده:

در پایان نامه ی حاضر، مبتدا سازی گروههای اسمی در زبان کردی (لهجه ی سورانی) در چارچوب نظریه ی ساختار اطلاعاتی [بیرنر و وارد ۱۹۸۸] مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می گیرند. مبتدا سازی، زمانی روی می دهد که سازه ایی به ابتدای جمله حرکت داده شود تا به عنوان مبتدا عمل کند. همچنین تراسک (۱۹۹۳:۲۸۰) در «فرهنگ اصطلاحات دستوری در زبان شناسی»، مبتدا سازی را به عنوان پدیده ایی تعریف می کند که در آن یکی از عناصر جمله با استفاده از یک ساخت نشان دار به عنوان مبتدا انتخاب می شود.

مبتدا سازی، از این جهت حایز اهمیت است که نقطه ی تلاقی مسائل نحوی و کلامی است. و در واقع یکی از حیطه های است که نگرش صوری و نحوی صرف به زبان را به چالشش می طلبد و نشان می دهد که اگر بخواهیم چهره ایی واقعی از زبان ارائه کنیم باید پا از مسائل صوری فراتر نهیم و ملاحظات کلامی (ساختار اطلاعاتی) را نیز مدنظر قرار دهیم.

در پایان نامه ی حاضر، در فصل اول طرح تحقیق مربوطه ارائه گردیده و در فصل دوم چارچوب نظریه ی ساختار اطلاعاتی ارائه شده است. در فصل سوم پیشینه ی مبتدا سازی ارائه شده و در فصل چهارم با آوردن مثالهای

- ادامه ی چکیده:

از زبان کردی سورانی و تجزیه و تحلیل آنها بر اساس نظریات [بیرنر و وارد ۱۹۸۸] و تحلیل آماری نتایج به دست آمده یک سری نتایج قابل توجه مشاهده گردیده است، که تمامی نتایج حاصله نشان دهنده ی این نکته است، که اگر چه مبتدا سازی فرایندی صوری است که در حیطه ی نحو عمل می نماید، با این همه نمی توان عامل کنترل کننده ی آن را در نحو جست بلکه باید در حوزه ی کلام به دنبال این عامل کنترل کننده بود. در واقع، این تعامل میان صورت نحوی و محتوای کلامی است که حاکم بر فرایند مبتدا سازی می باشد.

فصل اول

طرح تحقیق

۱-۱- مقدمه

بی شک زندگی اجتماعی بدون به کار گیری زبان ادامه نخواهد داشت، هر گوشه ایی از محیط پیرامون خود را که بنگریم به نحوی انعکاس و نمود زبان را در آن خواهیم دید و به جرات می توان گفت که زبان جزء لاینفک وجدایی ناپذیر از بشر و جوامع بشری می باشد، همچنین میتوان ادعا کرد که زبان در واقع مهمترین وسیله ی پیوند دهنده و نقطه عطفی اساسی در ارتباط میان انسانها و جوامع بشری می باشد. بدون وجود و حضور زبان تمدن و فرهنگها ساخته نمی شوند، چراکه می توان زبان را تنها شاهراه اساسی انتقال فرهنگ و علم و دانش از نسلی به نسلی دیگر به شمار آورد که هر گونه نقص و اشکال در این شاهراه عظیم و اساسی مانع از انتقال فرهنگ میان نسلهای متعدد گشته که در نتیجه سبب قطع زنجیره ی ارتباط گردیده و در نهایت کاروان دانش بشری را به بیراهه خواهد کشاند. به ندرت می توان به گونه ایی از تلاش و فعالیت های بشری اشاره کرد که به نوعی زبان و عوامل وابسته به زبان در آن نمود نداشته باشد. خواست و تمایل بشر نسبت به آگاهی و شناخت از پدیده ی زبان در فرهنگ و تمدن ملل مختلف ناشی از یک نوع حس درونی و بالقوه ایی می باشد که سبب گردیده افراد با فرهنگها و آداب و سنن مختلف از این پدیده ی مهم غافل نباشند و همواره به نوعی به منظور شناخت هرچه بیشتر از زبان در جستجو باشند به نحوی که از دیرباز بشر همواره بها دادن به بحث های پیرامون زبان را سرلوحه ی فعالیت های تحقیقی و جستجوگرایانه ی خود قرار داده است که آثار چنین تفکراتی در فلسفه ی یونان باستان بویژه در آثار ارسطو به چشم می خورد.

(لانگاکر^۱، ۱۹۸۹، ص ۴) با ذکر دو مسئله ی اساسی در رابطه با اهمیت ویژه ایی که پدیده ی زبان دارد چنین اشاره می کند.

- ۱- بررسی زبان همواره با بحث های علوم دیگر مرتبط بوده است. برای مثال به این دلیل که زبان یک پدیده ی ذهنی و هوشی است بررسی زبان وسیله ایی است برای پی بردن به ذهن انسان و چگونگی پیدایش اندیشه در ذهن .
- به این دلیل که زبان حداقل طبق گفته ی لانگاکر از دو جنبه ی اساسی دارای اهمیت است بررسی این پدیده از جنبه های مختلف خالی از فایده نخواهد بود.

۲-۱- طرح مسئله ی تحقیق

دبیرمقدم [۱۹۹۸:۴۱] در کتاب خود تحت عنوان "زبان شناسی نظری" در رابطه با تفکرات مسلط در زبان شناسی عنوان می کند که هاپر به عنوان یکی از افراطی ترین نقش گرایان می گوید که: "در نقش گرایی اصولاً پدیده ایی به نام "صورت" یا به بیانی دقیقتر نظام های دستوری با شکل و ارکان ثابت و پایدار و دارای هویت مستقل مفروض نیست بلکه این نظام ها زاده و تبلور^۲ خط مشی های کلامی^۳ می باشند." در مقابل نقش گرایی هیلیدی که اصطلاحاً به "۳ دستورنظاممند" مشهور است، که به وجود نظام صوری زبان قائل است، زبان را به نحوی تابع و وابسته به نقش ارتباطی و کاربرد زبان می پندارد و به بار خبری و اطلاعاتی ساخت جملات از قبیل مبتدا و خبر توجه کرده و ابـزارها و عوامل انسجام و ایجاد متن را بارز و مشهود می داند.

نظریه ی ارتباط نظریه ایی است در ارتباط بین ساختار جملات و بافت های زبانی و فرآزبانی که در آنها جملات تحت عنوان واحدهای با اطلاعات فرضی به حساب می آیند. این نظریه در برگیرنده ی سیستم اختیاراتی است که نحو در اختیار گویشوران به منظور ارائه و بیان مفاهیم موجود به صورتهای مختلف دستوری در شرایط متنوع کلامی قرار می دهد. این تحقیق بر اساس مشاهده ای است از ساختار منعکس شده در جملات که ناشی از علاقه ی گوینده در نحوه ی ارائه ی کلام متناسب با پیش فرضهایی از دانش گوینده در مورد موقعیت موجود در زمان ارائه ی کلام می باشد...

1. langacker
2. discoursal strategies

3. Systemic Grammar

مبتدا سازی، یکی از انواع حرکت‌ها و گشتارهای موجود در زبان است که همواره در مباحث زبانی و زبان‌شناسی مطرح بوده است. دیوید کریستال (۱۹۹۲:۳۵۵) در «فرهنگ زبان‌شناسی و آواشناسی» از آن چنین تعریفی را ارائه می‌دهد: مبتدا سازی، زمانی روی می‌دهد که سازه‌ایی به ابتدای جمله حرکت داده شود تا به عنوان مبتدا عمل کند. همچنین تراسک (۱۹۹۳:۲۸۰) در «فرهنگ اصطلاحات دستوری در زبان‌شناسی»، مبتدا سازی را به عنوان پدیده‌ایی تعریف می‌کند که در آن یکی از عناصر جمله با استفاده از یک^۶ ساخت نشان‌دار به عنوان مبتدا انتخاب می‌شود. مبتدا سازی، از این جهت حایز اهمیت است که نقطه‌ی تلاقی مسائل نحوی و کلامی است. و در واقع یکی از حیطه‌هایی است که نگرش صوری و نحوی صرف به زبان را به چالش می‌طلبد و نشان می‌دهد که اگر بنخواهیم چهره‌ایی واقعی از زبان ارائه کنیم باید پا از مسائل صوری فراتر نهمیم و ملاحظاتی کلامی (ساختار اطلاعاتی) را نیز مدنظر قرار دهیم.

در تحقیق حاضر دو پرسش مطرح است:

- ۱- در زبان کردی (لهجه‌ی سورانی) به لحاظ کلامی چه عواملی در مبتدا سازی گروه‌های اسمی دخالت دارند؟
- ۲- آیا همان عواملی که در مبتدا سازی گروه‌های اسمی در زبان کردی (سورانی) دخالت دارند، همان عواملی هستند که توسط زبان‌شناسان دیگر به آنها اشاره شده است؟

۳-۱- فرضیه ها

این پایان نامه به طور کلی در برگیرنده ی دو فرضیه ی اساسی می باشد که سعی می شود از طریق این پایان نامه فرضیه های مورد نظر مورد بررسی و از طریق داده ها و اطلاعات جمع آوری شده به محک آزمایش گذاشته شوند.

فرضیه ۱:

اگرچه مبتدا سازی فرایندی صوری است که در حوزه ی نحو ظاهر گشته و به به مرحله ی ظهور می رسد اما عوامل اساسی دخیل در این فرایند را نمی توان در مسائل نحوی جستجو نمود ، بلکه باید در حوزه ی کلام به دنبال آن بود و در واقع عامل اساسی حاکم بر فرایند مبتدا سازی تعامل و ارتباطی است که میان صورت نحوی و محتوای کلامی وجود دارد.

فرضیه ۲:

آنچه به لحاظ کلامی در مبتدا سازی گروههای اسمی در زبان کردی (لهجه ی سورانی) دخیل است همان وضعیت اطلاعاتی ۳ یا ساختار اطلاعاتی جمله در مسدول کلامی می باشد. به عبارت دیگر در جمله کدام جزء اطلاع کهنه و کدام جزء اطلاع نو محسوب می گردد و این دو نوع اطلاعات در برگیرنده ی چه زیر تقسیمات دیگری می باشند.

۴-۱- هدف و انگیزه

از آنجا که بنا بود جهت پایان نامه ی کارشناسی ارشد موضوعی انتخاب گردد و من نیز با توجه به علاقه ی وافری که به درس تحلیل کلام داشتم تصمیم گرفتم که به منظور تعمیق بیشتر مطالب آموخته شده در این دوره موضوع پایان نامه ام را حتی الامکان در مسائلی مربوط به این حوزه را انتخاب نمایم و با توجه به اینکه مبحث مبتدا سازی مبحثی نسبتاً جدیدی است که کمترین تحقیقاتی به صورت مدون و منحصر روی این پدیده در زبانهای فارسی و کردی انجام نگرفته است و تنها تحقیقی که به طور مستقیم و به صورت مدون در این رابطه و آن هم روی زبان فارسی انجام گرفته است ، رساله دکتری دانشگاه تهران [خرمایی، ۱۳۸۱] می باشد که بر اساس چهار چوب نظری لامبرا نوشته شده است. اگرچه افراد دیگری به صورت جسته و گریخته در این مورد اشاراتی هر چند مختصر و تا حد مقالاتی داشته اند، اما همین امر نگارنده را بر آن داشته است که به دلایلی به نوشتن این تحقیق تلاش نماید. اولاً اینکه بدین سوال پاسخ داده شود، که آیا عوامل موثر در فرایند مبتدا سازی در زبان کردی همان عوامل ذکر شده در زبانهای دیگری همچون فارسی و انگلیسی می باشد؟

علاوه بر این بطور کلی به صورت تخصصی بویژه در مباحثی همچون ساختار اطلاعاتی در زبان کردی تحقیقات زبان شناسی در حد بسیار محدودی انجام گرفته است ، که امید آن است از طریق این پایان نامه جنبه ایی هر چند محدود از جوانب متعدد زبان کردی از دیدگاه زبان شناسی بررسی گردد. همچنین نگارش این پایان نامه می تواند مشوق و نقطه آغازی برای افراد علاقه مند در امر مطالعه و بررسی علمی زبان کردی و یا تعمیم این فرایند(مبتدا سازی) در سایر زبانهای دیگر بویژه در حوزه کلامی برای بررسی صحت و سقم این مطلب و مطابقت آن با زبانهای دیگر باشد.

۵-۱- نوع روش تحقیق

در این تحقیق روش تحقیق را می توان روش توصیفی از نوع تحلیل محتوا عنوان کرد یعنی در این تحقیق مثالهای مبتدا سازی گره های اسمی مورد نیاز از دل متنهای طبیعی استخراج گردیده و مورد بررسی قرار می گیرند. این متنهای طبیعی نیز از کتابهای کردی، روزنامه ها و هفته نامه هایی که از سال ۱۳۸۰ به بعد به نگارش در آمده اند و در نگارش آنها از زبان کردی (لهجه ی سورانی) استفاده شده است. جمع آوری گشته است. که در زیر یکی از انواع مثالها به عنوان نمونه ارائه می شود.

(۱)

«سه فه ری به ریز مام جه لال بو ولاته یه کگرتوه کان»

(۱) به ریز مام جه لال سکر تیری یه کیتی نیشتمانی ئیمرو سه فه ریکی به رفه راوانی بو ولاته یه کگرتوکان ده ست پی کرد. مام جه لالیان i — له م سه فه ره دا به ریزان ، هو شیار زیباری وه زیری ده ره وه ، نه سرین به رواری وه زیـــــری ته ندرووستی i — هاوری ده کرد.

(روزنامه ی ناشتی ، سال اول، ژماره ی ، ۱۲، لاپه ری ، ۴)

مثال بالا ، نمونه ایی از یک جمله ی مبتدا سازی شده می باشد که در آن جای اصلی سازه ی مبتدا سازی شده توسط (i —) نشان داده شده است و یا به عبارتی دیگر جایگاه اصلی سازه ی مبتدا سازی شده در جمله ای که دارای شکل و حالت طبیعی بوده و یا اصطلاحاً بی نشان می باشد ، نشان داده شده است.

۶-۱- جستاری کلی در باره ی زبان کردی

کردی، زبان بیش از بیست میلیون کرداست که بیشتر در محدوده ای جغرافیایی متصل به هم زندگی می کنند. زبان کردی از لحاظ خانواده ی زبانی متعلق به شاخه ی هند و ایرانی از خانواده ی زبانهای هندو اروپایی است که یکی از خانواده های بزرگ زبانی به شمار می آید. در واقع زبان کردی به طور دقیق تر یکی از زبانهای زیر شاخه ی خانواده ی زبانهای ایرانی می باشد، چنانچه دیوید کریستال (۱۹۸۹:۲۹۸) در نموداری که از تقسیم بندی زبانهای خانواده ی هندو اروپایی ارائه داده است، زبان کردی را همراه با زبانهای دیگری همچون زبانهای اوستی ۱، افغانی، بنگالی، فارسی، هندی، سانسکریت، اردو و... متعلق به خانواده ی زبانی هندو ایرانی می داند.

دیوید کریستال (۱۹۸۹:۳۰۱) در توضیحی که پیرامون خانواده ی زبانی هندو ایرانی ارائه نموده است چنین می نویسد:

"این شاخه (هندو ایرانی) از خانواده ی زبانی هند و اروپایی در برگیرنده ی دو شاخه ی اساسی یعنی هندی و ایرانی می باشد، که به نوبه ی خود در برگیرنده ی تعداد فراوانی از زبانهای مختلفی است که در میان آنها از مهمترین زبانهای نو ایرانی که بیش از ۶۰ میلیون نفر بدانها تکلم می نمایند و باهم دارای قرباتی نزدیک هستند عبارتند از زبانهای همچون فارسی، تاجیکی، پشتو، اوستی، کردی، بلوچی و لهجه های بیشماری که هنوز به صورت مشخصی طبقه بندی نشده اند."

بهار در کتاب خود تحت عنوان سبک شناسی می نویسد: "بعضی از دانشمندان را عقیده چنان است که گائهِ ی زرتشت به زبان مادی است و نیز برخی برآنند که زبان کردی که یکی از شاخه های زبان ایرانی است از باقیمانده های زبان ماد است. (سبک شناسی بهار، ج ۱، ص ۵)"

در همین راستا سیسیل جی. ادموندز می گوید: "به گمان من بنا بر جهات و موجبات جغرافیایی و زبان شناسی می توان گفت کردهای امروزی نمایندگان مادها و سومین سلطنت بزرگ شرق هستند." (کردها، ترکها، عربها، ص ۱۳)

در رابطه با ارتباط میان زبان کردی و فارسی اباسیل نیکتن می گوید: "که اندیشمندان زبان ایده ی مرتبط بودن زبان کردی به زبان کلدانی را به طور کامل رد کرده اند و همچنین اثبات نموده اند که زبان کردی ارتباط نزدیکی با زبان فارسی نوین و زبان فارسی باستان دارد (نیکتن ۱۸: ۱۹۷۱)."

همچنین مینورسکی در این رابطه می گوید: "زبان کردی برگرفته از زبانهای دیگر ایرانی و یا خود زبان فارسی نیست، بلکه این زبان، زبانی است مستقل با ویژه گیهای فونوتیکی و نحوی منحصر به خود و

ارتباط این زبان با زبان فارسی همانند ارتباط زبان صربی با زبان روسی و یا شبیه به ارتباط موجود میان زبان ادبی سوئدی با زبان ایتالیایی می باشد (مینورسکی ۱۹۸۰: ۳۷)."

زبان کردی مانند (فارسی) زیر شاخه زبان های غربی ایرانی است که شاخه ایی از زبان های هند و اروپایی است. شاخه شرقی زبان های ایرانی شامل زبان های مثل اوستایی و سیستانی و اخیراً "بیشتر مثل (پشتو) می باشد که افغانها به آن تکلم می کنند.

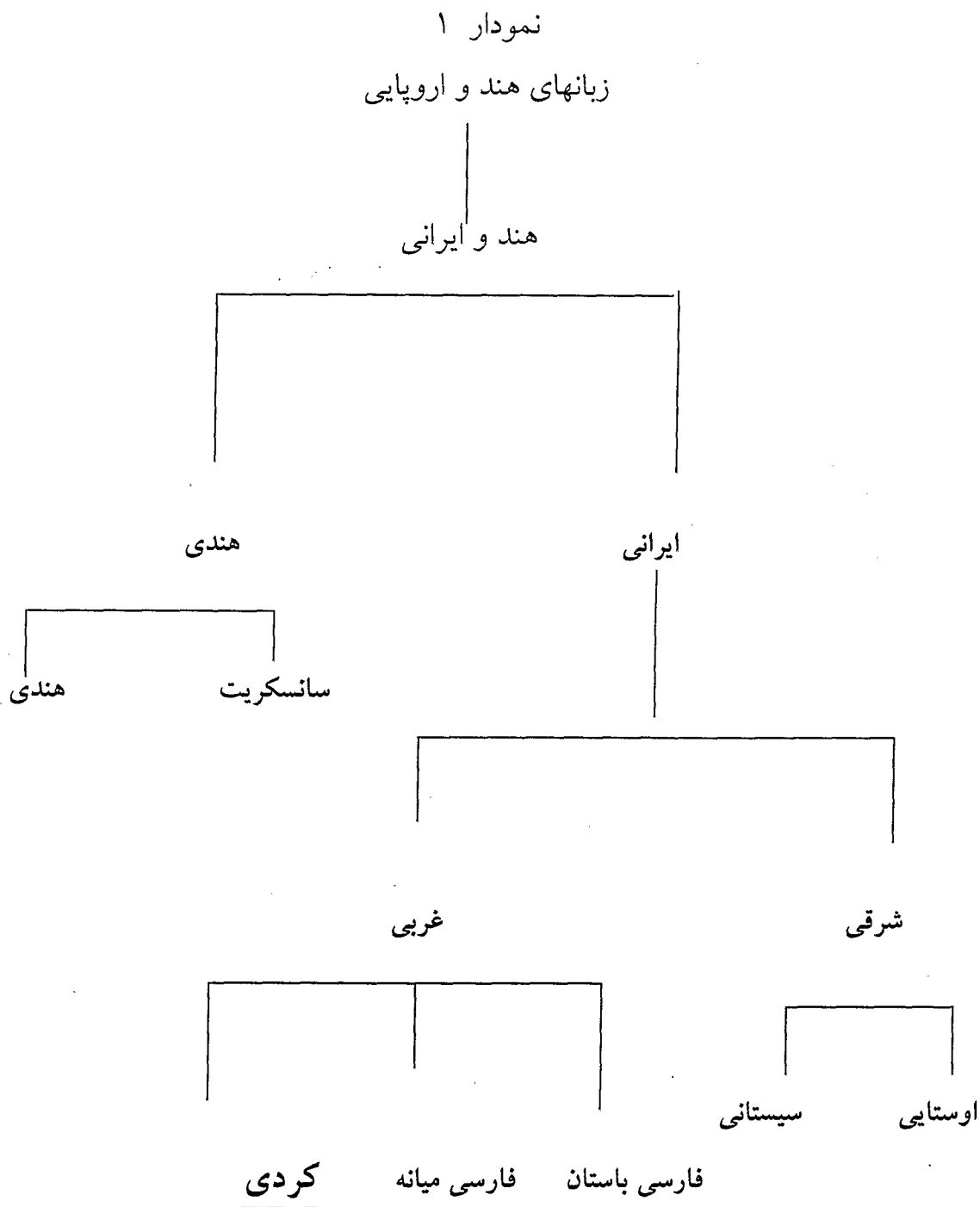
زبان کردی از لحاظ چگونگی ترتیب قرار گرفتن سازه ها در جملات و یا به عبارتی دیگر نحوه ی قرار گرفتن و ترتیب متعارف کلمات^۴ بجز اختلافاتی بسیار جزئی، کم و بیش دارای ساختاری مشابه با ساختار زبان فارسی می باشد و همانند زبان فارسی از الگوی:

فاعل - مفعول - فعل (SOV) پیروی می کند.

مثال: (۲) من رضا را دیدم. (فارسی). ترجمه ی کلمه به کلمه جمله ی شماره ی (۲) به فارسی:

[من] [ره زام] [بینی]. (کردی)

نمودار ذیل نشان دهنده ی چگونگی ارتباط و موقعیت زبان کردی در رابطه با زبان فارسی در نمودار خانوادگی زبان های هندواروپایی می باشد.



نمودار بر گرفته شده از دفاعیه دکترای س- کریمی (۱۹۸۹)